



The Change Scale of Sadness in Iranian Society; A Conceptual Metaphor account

Mehrdad Meshkinfam

*Postdoctoral Researcher,
Atlas of the Languages of Iran
Project, Carleton University,
Canada.

m.meshkinfam@alumni.basu
.ac.ir

(Corresponding author)

Elham Izadi

PhD in Linguistics, Bu-Ali
Sina University, Hamadan,
Iran.

e.izadi@alumni.basu.ac.ir

Received: 2022/06/08

Accepted: 2022/07/04

DOI:

10.22034/JPCS.2022.1269093.1101



ABSTRACT

Today, some believe that human beings in Iranian society are sadder than before. One of the areas in which this concept and its changes over time can be pursued is language, due to the fact that language is a socio-cognitive phenomenon and the product of human thoughts, feelings, and the surrounding society. In this research, from a scientific point of view, we are looking for the response to the important question: "Has the Persian-speaking Iranian society become sadder?". In this regard, we extract the linguistic tools encoding the concept of sadness and happiness in Persian. The most important tool used to study this concept is the conceptual metaphor since human beings usually understand abstract concepts more difficult than concrete ones. To this end, abstract concepts are perceived through conceptualization by concrete concepts. As the society and human beings are constantly changing, the language and the extent of changes in sadness and happiness are also evident in language, which indicates a change in human emotions. The linguistic corpus used in this research includes movies, stories, songs, press titles, and news from the decades 1968 to 1978, 1979 to 1988, 1989 to 1998, 1999 to 2008, 2009 to 2018. These decades have been chosen due to influential political and social events, including revolution, war, construction, reform, and the aftermath of reform. According to results of this research, sadness in Iranian society has changed little from the 70s to the 90s, experiences a slight decrease in the 00s, and finally a significant increase in the 10s. Happiness also demonstrates a decline from the 70s to the 80s and a sudden increase in the 90s, and finally a decrease in the 00s and 10s. The main causes of increase in sadness and decrease in happiness could be economic problems, war, luxurious life trending, and more complex human relations. One of the consequences of sadness increase is a decrease in social security.

Keywords: Sadness, happiness, culture, conceptual metaphor, emotions, social security.

► **Citation (Vancouver):** Meshkinfam M, Izadi A, the amount of changes in the feeling of sadness in Iranian society from the perspective of conceptual metaphor. *Police Cultural Studies Quarterly*, 1401; 9(1): 57-70.

► **Citation (APA):** Meshkinfam, M., Yazidi, A. (1401). The amount of changes in the feeling of sadness in Iranian society from the point of view of conceptual metaphor. *Police Cultural Studies Quarterly*, 9(1), 57-70.

میزان تغییرات احساس غم در جامعه ایران از منظر استعاره مفهومی

چکیده

امروز، برخی بر این باورند که انسان در جامعه ایران غمگین تر از گذشته شده است. یکی از حوزه‌هایی که می‌توان در پی این مفهوم و تغییرات آن در گذر زمان بود، زبان است. زیرا، زبان یک پدیده اجتماعی-شناختی و حاصل تفکرات و احساسات انسانی و جامعه پیرامون است. در این پژوهش، از دیدگاه علمی به دنبال این مهم هستیم که «آیا جامعه ایرانی فارسی‌زبان غمگین تر شده است؟». در همین راستا، به استخراج ابزارهای زبانی رمزگذار مفهوم غم و شادی در زبان فارسی می‌پردازیم. مهم‌ترین ابزاری که برای مطالعه این مفهوم مورد استفاده قرار می‌گیرد، استعاره مفهومی است؛ زیرا، معمولاً انسان مفاهیم انتزاعی را سخت‌تر از مفاهیم عینی درک می‌کند. به همین منظور، مفاهیم انتزاعی از رهگذر مفهوم‌سازی آن‌ها به وسیله مفاهیم عینی ادراک می‌شوند. از آن‌جا که جامعه و انسان همواره در حال تغییرند، میزان تغییرات زبان و غم و شادی نیز در زبان مشهود است که بیانگر تغییر احساسات انسانیست. پیکره زبانی مورد استفاده در این پژوهش، شامل فیلم‌های سینمایی، داستان‌ها، ترانه‌ها، عناوین مطبوعاتی و اخبار از دهه‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ است. این دهه‌ها به علت رخدادهای سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار، از جمله انقلاب، جنگ، سازندگی، اصلاحات و دوران پس از آن برگزیده شده‌اند. براساس بررسی‌های صورت گرفته، غم در جامعه ایران دارای تغییراتی اندک از دهه ۵۰ تا ۷۰، اندکی کاهش در ۸۰ و در نهایت، افزایش چشم‌گیر در دهه ۹۰ است. شادی نیز از دهه ۵۰ تا ۶۰ نزول و یک‌باره افزایش در دهه ۷۰ و سرانجام در دهه ۸۰ و ۹۰ کاهش چشم‌گیری را تجربه می‌کند. علت‌های اصلی افزایش غم و کاهش شادی را می‌توان مشکلات اقتصادی، جنگ، تجمل‌گرایی و روابط انسانی پیچیده‌تر عنوان کرد. یکی از پیامدهای افزایش غم، کاهش امنیت اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: غم، شادی، فرهنگ، استعاره مفهومی، احساسات، امنیت اجتماعی.

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۵۷-۷۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/JPCS.2022.1269093.1101

◀ **استناد (ونکوور):** مشکین‌فام م و ایزدی ا، میزان تغییرات احساس غم در جامعه ایران از منظر استعاره مفهومی. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس. بهار ۱۴۰۱؛ ۹(۱): ۵۷-۷۰.

◀ **استناد (APA):** مشکین‌فام، م. و ایزدی، ا. (بهار ۱۴۰۱). میزان تغییرات احساس غم در جامعه ایران از منظر استعاره مفهومی. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، ۹(۱)، ۵۷-۷۰.

اخیراً، این عقیده در جامعه ایران رواج پیدا کرده است که انسان امروز غمگین‌تر از گذشته است. از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مفاهیم شناختی در روابط انسانی که بر امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارند، غم و شادی هستند. زیرا، با افزایش احساس غم در جامعه، امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد (مشکین‌فام، ۱۴۰۰؛ همچنین رک. عبدی، ۱۴۰۰).

بنابراین، مطالعه این مفاهیم در جامعه انسانی بسیار پراهمیت است. مطالعات صورت‌گرفته در حوزه استعاره مفهومی در رویکرد زبان‌شناسی شناختی، طیف گسترده‌ای از بررسی احساسات را به خود اختصاص داده‌اند. برای نمونه، ملکیان و ساسانی (۱۳۹۲) در پژوهشی میدانی براساس گفتار روزمره، از طریق ضبط صدا و یادداشت‌برداری (محدوده تهران)، استعاره‌های شادی و غم را براساس آرای کوچش^۱ (۲۰۰۲) تحلیل و تقسیم‌بندی کرده‌اند. زورروز و همکاران (۱۳۹۲) نیز استعاره شادی را در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند، پژوهش آن‌ها براساس پیکره نوشتاری مستخرج از پایگاه دادگان زبان فارسی است که به گفتار شباهت دارد و حوزه‌های مبدأ «شیء، ماده و عمل» را پربسامد عنوان می‌کنند. مولودی (۱۳۹۴) و روحی و همکاران (۱۳۹۷) چندین احساس، از جمله غم و شادی را در پژوهش خود بررسی و حوزه‌های مبدأ آن‌ها را مشخص کرده‌اند. قاسمی و همکاران (۱۳۹۴) استعاره غم را به صورتی اختصاصی در حوزه طرح‌واره حجمی در اشعار فریدون مشیری مطالعه کرده‌اند و حوزه مبدأ ظرف و مظروف را در نظر گرفته‌اند.

پژوهش دیگری با استعاره مفهومی غم در اشعار را فضائلی و ابراهیمی (۱۳۹۳) در شعر مسعود سعد سلمان انجام داده‌اند و حوزه‌های آن را مشخص می‌کنند. همچنین، در حوزه شعر، استاجی و فرحانی‌زاده (۱۳۹۷) استعاره مفهومی غم را در اشعار فخرالدین عراقی مطالعه کرده‌اند و حوزه‌های مبدأ «اشیاء، خوراک، انسان، گیاه، بیماری و سلامت» را معرفی می‌کنند. از سایر پژوهش‌ها در حوزه

استعاره مفهومی می‌توان محمدیان و فرحانی‌زاده (۱۳۹۷)، شریفی مقدم و ارجمند (۱۳۹۷) و شریفی مقدم و همکاران (۱۳۹۸) را نام برد. در همه پژوهش‌های ذکرشده، پیکره‌ای وسیع و متنوع بررسی نشده است؛ اما، در پژوهش حاضر، علاوه بر متون نوشتاری، فیلم، خبر و ترانه نیز بررسی شده است. علاوه بر این، نقطه عطف پژوهش حاضر، بررسی این دو استعاره طی پنجاه سال در جامعه فارسی‌زبان ایرانی است که می‌تواند نتایج ارزشمندی ارائه دهد.

مفاهیم غم و شادی در زبان به‌طور واضح قابل مشاهده‌اند. به این معنا که طریقه صحبت کردن بازتاب این دو مفهوم است. بر این اساس، به‌منظور مطالعه این مفاهیم در جامعه، ناچار به انتخاب حوزه زبان هستیم. به‌همین علت، مطالعه تغییرات و رمزگذاری این مفاهیم در زبان بسیار مهم هستند. غم و شادی بدون در نظر گرفتن انسان، جامعه و تمام مواردی که به این دو اشاره دارند، از جمله سیاست

بی‌معناست. به‌عبارتی، اجتماع و انسان شکل‌دهنده مفاهیم غم و شادی هستند که شاهد باز نمود آن به‌صورت الگوهای شناختی، از جمله استعاره در زبان هستیم. در مطالعه شیوه‌های رمزگذاری و تغییرات آن در گذر زمان، می‌توان از همین ابزار زبانی استعاره مفهومی بهره برد. به این معنا که چه ابزارهای زبانی ملموسی برای مفهوم‌سازی عناصر زبانی انتزاعی به‌کار رفته است.

در استعاره، انتقال مفهومی از حوزه مبدأ (عینی) به حوزه مقصد (انتزاعی) ممکن می‌شود (رک. لیکاف و جانسون^۲، ۱۹۸۰). استعاره‌ها نگاهی مفهومی هستند و جزئی از نظام مفهومی ذهن محسوب می‌شوند؛ استعاره‌ها صرفاً زبانی نیستند، بلکه در فرهنگ و آداب و رسوم نیز باز نمود پیدا می‌کنند. سخن گفتن از احساسات بدون این که از قلمرو معنایی دیگری استفاده شود، ناممکن است، زیرا درک این مفاهیم انتزاعی، برای انسان به‌طور مستقیم تقریباً غیر ممکن است. به‌بیان دیگر، معمولاً احساسات را با

به‌کارگیری مفاهیم ملموس بیان می‌کنیم. به این ترتیب، نگاشتی استعاری از قلمرو مقصد به قلمرو مبدأ انجام می‌گیرد و حوزه‌ای عینی مبنای بیان حوزه انتزاعی احساس می‌شود. علاوه بر این، به اعتقاد تریم^۱ (۵:۲۰۱۱)، فرآیندهای مفهوم‌سازی در قالب حواس ادراکی انجام می‌شوند.

از آن‌جا که زبان همواره در حال تغییر است، چگونگی بیان مفاهیم احساسی، از جمله غم و شادی نیز همواره تغییر می‌کند. در این پژوهش، به دنبال بررسی این مهم هستیم که اجتماع که زیرمجموعه‌هایی از قبیل سیاست، فرهنگ، انسان و ... را شامل می‌شود، چه تأثیری در پنجاه سال گذشته بر نحوه بیان این مفاهیم و بسامد وقوع آن‌ها گذاشته است یا به عبارتی، «آیا میزان بیان و در پی آن وجود این مفاهیم در جامعه کاهش یا افزایش داشته است؟». به همین منظور، در پیکره‌ای مستخرج از ۵۰ سال گذشته، یعنی از دهه ۵۰ تا اواخر دهه ۹۰ که شامل فیلم‌های سینمایی، داستان‌ها، ترانه‌ها، عناوین مطبوعاتی و اخبار می‌شود، به بررسی عناصر زبانی مبین مفاهیم غم و شادی می‌پردازیم. در این راستا، اهداف پیش رو در این پژوهش به این قرار هستند:

۱. میزان افزایش یا کاهش غم و شادی در جامعه فارسی‌زبان ایران چگونه است؟
 ۲. چه عواملی بر این فرآیند (سیر صعودی یا نزولی دو مفهوم غم و شادی) تأثیر داشته و جامعه چه راهی را طی می‌کند؟
 ۳. الگوهای شناختی احساسات غم و شادی چیست؟
 ۴. افزایش یا کاهش احساسات غم و شادی چگونه بر امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد؟
- به‌طور کلی، پژوهش حاضر به پرسش «جامعه فارسی-زبان ایرانی، غمگین‌تر یا شادتر شده است؟» پاسخ خواهد داد.

شیوه پژوهش

در پژوهش حاضر، پیکره‌ای ۵۰ساله متشکل از دهه ۵۰ تا دهه ۹۰، یعنی از دهه انقلاب، جنگ، سازندگی، اصلاحات و دوران پس از اصلاحات برگزیده شده است. پنج گروه از داده‌ها در این پژوهش ۵۰ساله مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: ۱- عناوین مطبوعاتی، ۲- اخبار، ۳- کتاب (داستان)، ۴- فیلم سینمایی و ۵- ترانه.

در این پیکره زبانی، استعاره‌های مورد نظر استخراج شده‌اند و بسامد وقوع و حوزه‌های مفهوم‌سازی آن‌ها در هر دهه و در واقع سیر صعودی یا نزولی بودن غم و شادی در جامعه تجزیه و تحلیل شده است. در همین راستا، نمودار خطی مجموع استعاره‌ها در پنج دهه ارائه شده است. در این نمودار، روند تغییرات در طول پنجاه سال به خوبی قابل درک و بررسی است.

مطالعه استعاره از بنیادی‌ترین مباحث معنی‌شناسی شناختی است. به‌طور سنتی، استعاره ناظر بر تصاویر زبانی است که بر اساس رابطه مشابهت میان دو شیء شکل می‌گیرند. یعنی، بر پایه مشخصه‌های معنایی یکسان یا مشابه، انتقال حوزه‌ای رخ می‌دهد. این انتقال حوزه‌ای همیشه از حوزه‌های مفهومی عینی‌تر به حوزه‌های مفهومی انتزاعی‌تر است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). مانند استفاده از عبارت «ابرها می‌گریند» به جای «باران می‌آید»، یا کاربرد «انتقاد گزنده» به جای «انتقاد سخت». از دیدگاه زبان‌شناسی تاریخی، استعاره باعث ظهور کلمات جدید در زبان می‌شود (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۹-۲۶۳).

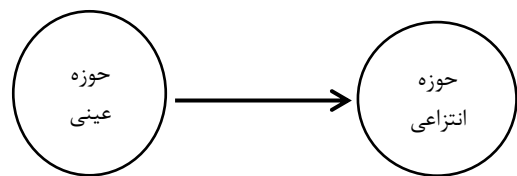
به‌طور خلاصه، استعاره مفهوم‌سازی حوزه‌های انتزاعی بر اساس حوزه‌های عینی است که همان اصل بنیادی استعاره مفهومی در زبان‌شناسی شناختی است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). هاینه و همکاران^۲ (۱۹۹۱: ۴۶) سلسله‌مراتبی از حوزه‌ها را معرفی می‌کنند که از راست به چپ از میزان عینی بودن آن‌ها کاسته می‌شود:

1- Trim

2- Heine and et al.

شخص (اعضای بدن) < شیء > فعالیت و وضعیت <
مکان < زمان < کیفیت

براین اساس، می‌توان از مفاهیم عینی‌تر برای مفهوم-سازی مفاهیم انتزاعی‌تر به صورت استعاری بهره برد، برای نمونه، برای نشان دادن حوزه زمان که انتزاعی است، می‌توان از حوزه مکان بهره برد (نغزگوی کهن و داوری، ۱۳۹۳: ۵۹). شکل زیر نمایانگر سازوکار استعاره است:



شکل ۱- استعاره مفهومی

کوچش (۲۰۰۲: ۱۶-۲۴) متداول‌ترین حوزه‌های مبدأ و مقصد را در استعاره‌سازی از فرهنگ کویلد استخراج کرده- است. سیزده حوزه مبدأ عبارتند از: اعضای بدن، سلامتی و بیماری، جانوران، گیاهان، ساختمان و بناها، ابزار و ماشین-آلات، ورزش و بازی‌ها، پول و معاملات اقتصادی، آشپزی و غذا، گرما و سرما، تاریکی و روشنایی، نیروها، حرکت و جهت‌ها. حوزه‌های مقصد که با بهره‌گیری از این حوزه‌های عینی مفهوم‌سازی می‌شوند، از این قرارند: احساس، امیال، اخلاق، تفکر، جامعه، سیاست، اقتصاد، روابط انسانی، ارتباط، زمان، زندگی و مرگ، مذهب، رخ دادها و فعالیت‌ها.

یافته‌ها

در این بخش، نگارندگان با بررسی داده‌های موجود در پنج منبع، شامل فیلم‌ها، کتاب‌ها، ترانه‌ها، عناوین مطبوعاتی و اخبار، استعاره‌هایی که رمزگذار غم و شادی در این پیکره بودند را استخراج و بسامد وقوع این استعاره‌ها را ارائه کرده‌اند. در این میان، حوزه‌های مفهوم‌سازی استعاره‌ها نیز معرفی شده است.

فیلم‌های سینمایی یکی از بهترین منابع موجود برای بررسی سیر تحول استعاره‌های کاربردی در جامعه است. در این پژوهش نیز بخش مهمی از پیکره از فیلم‌های

سینمایی هر دهه برگزیده شده‌است. به این منظور، ابتدا جدولی از فیلم‌های سینمایی پرفروش از هر دهه تهیه شد که از هر دهه ده فیلم و در مجموع پنجاه فیلم انتخاب شده است. پس از آن، نگارندگان از هر دهه تعداد سه فیلم را برگزیده و مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه، نتایج حاصل از بررسی فیلم‌ها در قالب نمودار، قابل مشاهده است. ابتدا به ذکر مثال‌هایی با حوزه‌های مبدأ متفاوت پرداخته می‌شود:

۱. غم مرگ است.

• دارم می‌میرم (دایره مینا، ۱۳۵۷).

• من جون می‌کنم تا اونو بزارم مدرسه (رگبار، ۱۳۵۱).

۲. غم حیوان است.

• وای خدا کمرم به گل نشست (تنگنا، ۱۳۵۲).

• از گورده ما این قدر بار کشیدن که شدیم بوفالو (مادر، ۱۳۶۸).

۳. غم تنهایی است.

• بعضی وقتا که تو خیابون راه می‌رم انگار اصلا هیچ کس منو نمی‌بینه (فروشنده، ۱۳۹۵).

۴. غم ویرانی است.

• اونا همه چیزو بهم می‌ریزن (رگبار، ۱۳۵۱).

• این خانه را من ویران کردم (مادر، ۱۳۶۸).

۵. شادی نور است.

• چشمت روشن سید علی (شیار ۱۴۳، ۱۳۹۲).

• چشم و دلتون روشن (شیار ۱۴۳، ۱۳۹۲).

۶. شادی زمان است.

• شبتون سحر نشه سلطان (مادر، ۱۳۶۸).

۷. شادی ظرف است.

• اومدم این جا دلم واشه (شیار ۱۴۳، ۱۳۹۲).

• می‌خواهی یه راهی نشونت بدم دلت واشه؟ (یک تکه نان، ۱۳۸۳).

۸. شادی ثروت است.

• وقتی یک زنه کدبانو در خانه داری، هرچه فقیرتر

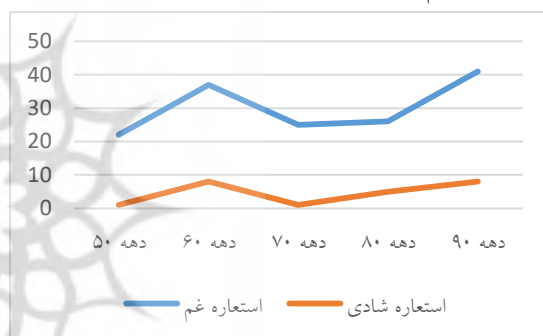
باشی توانگری (مادر، ۱۳۶۸).

۹. شادی حیوان است.

• کبکت خروس می‌خونه بابا (مادر، ۱۳۶۸).

• یا شیر برمی‌گردم یا اصلا بر نمی‌گردم (شوکران، ۱۳۷۷).

همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است، روند فراوانی استعاره‌های غم در پنج دهه گذشته، به این صورت است که در دهه ۶۰ و ۹۰ بیشترین میزان استعاره غم در فیلم‌ها به‌کار رفته است. اما، در دهه ۵۰ و ۷۰ این روند کاهش پیدا کرده است، اما دهه ۸۰ تا حدودی افزایش را نشان می‌دهد و در نهایت در دهه ۹۰ افزایش چشم‌گیر و تنوع استعاره‌های غم نمایان است. در سال‌های اخیر، یعنی دهه ۹۰ شاهد بیشترین میزان غم در فیلم‌ها در ۵۰ سال گذشته هستیم:



نمودار ۱- مجموع استعاره غم و شادی در فیلم‌های سینمایی پنج دهه

نتایج حاصل از مطالعه فیلم‌ها در این حوزه که در نمودار بالا نیز مشخص است، عبارتند از:

• از دهه انقلاب تا دهه جنگ غم و شادی روند افزایشی داشته‌اند؛ اما غم دارای فراوانی چشم‌گیری نسبت به شادی است و این را می‌توان نتایج حاصل از جنگ در دهه ۶۰ و اثرات آن بر سینمای ایران دانست. پس از این دو دهه، هر دو کاهش داشته‌اند و با آغاز دهه ۷۰ و گفت‌وگوی تمدن‌ها اندکی به شادی اضافه شده و این روند تا دهه ۹۰ ادامه دارد. غم، در این زمان تقریباً میزان ثابتی را تجربه کرده است. در دهه ۸۰، مقداری افزایش غم مشهود است و در دهه ۹۰ شاهد اوج‌گیری غم هستیم.

• شادی نیز در دهه‌های اخیر به نسبت غم، اما با فراوانی کم‌تر، روند افزایشی را نشان می‌دهد. این موضوع را می‌توان در شمار فیلم‌هایی با مضمون طنز در دهه اخیر مشاهده کرد. به این ترتیب، می‌توان اظهار داشت که سینماگران توجه به شادی و روحیه جامعه داشته‌اند.

• «مرگ، ضعف و ظرف» بیشترین بسامد استعاره غم را به خود اختصاص داده‌اند که می‌توان علل آن را برای «ظرف»، عینی‌ترین پدیده، «چشم» انسان دانست و «مرگ» نیز پایان زندگی و در نتیجه غم‌انگیزترین چیزی است که انسان با آن مواجه می‌شود. در مورد «ضعف» نیز انسان بدن خود را بدیهی‌ترین ابزار برای بیان احساسات و مفاهیم استعاری می‌پندارد.

کتاب‌ها از جمله منابع مهم برای بررسی متغیرهای هر جامعه هستند. از میان پیکره نوشتاری کتاب‌ها، می‌توان به نتایج ارزشمندی دست یافت. در این پژوهش نیز بخش وسیعی از داده‌ها را کتاب‌ها تشکیل می‌دهند. به این منظور، نگارندگان بیست کتاب پرتیراژ هر دهه را یافته‌اند و از میان آن‌ها، برای هر دهه سه کتاب برگزیده‌اند. پس از بررسی این متون نوشتاری، نگارندگان به نتایج زیر دست یافتند:

(۱) غم مرگ است.

• احساس می‌کردم محسن را ازدست می‌دهیم (دا، ۱۳۸۷).

• با این بچه‌ها خاک بر سرش شد (ته‌خیار، ۱۳۹۳).

(۲) غم جراحی است.

• پایم به سنگ می‌خورد، زخم می‌شد، برمی‌خواستم (چشم‌هایش، ۱۳۵۷).

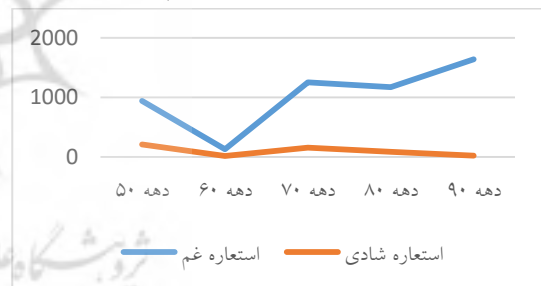
• سکوت جایش را به ناله‌های دلخراش داده بود (دا، ۱۳۸۷).

(۳) غم بیماری است.

• این دردش را دوا کند (دایی جان ناپلئون، ۱۳۵۰).

- نویسندگان به این موضوعها می‌تواند از علل این افزایش باشد.
 - در مورد شادی، از دهه ۶۰ تا ۷۰ میزان آن افزایش داشته است. می‌توان گفت، در این مدت نویسندگان برای بهبود وضعیت تبعات جنگ در کشور، بیشتر از شادی در نوشته‌های خود بهره‌جسته‌اند. در دیگر دهه‌ها شاهد کاهش شادی در کتاب‌ها هستیم.
 - در میان استعاره‌های غم در پیکره کتاب، «شیء» دارای بالاترین میزان است. انسان از اشیای عینی برای بیان مفاهیم انتزاعی بهره می‌جوید و این از اساسی‌ترین مفاهیم در استعاره است.
 - در استعاره شادی نیز «گیاه، ظرف و شیء» دارای بیشترین بسامد.
 - بیشترین تنوع استعاری در دهه ۷۰ مشاهده شد. ترانه‌های برگزیده هر دهه، از میان صد ترانه انتخاب شده‌اند. صد ترانه‌ای که در هر دهه بیشترین میزان شنونده را دارا بودند. از میان این صد ترانه، تعداد بیست ترانه برگزیده شد. این ترانه‌ها از نرم‌افزار و وبسایت رادیو جوان^۱ استخراج و تحلیل شد و سپس برای اطمینان، متن ترانه نیز در موتور جستجوگر گوگل^۲ چک شد. در نهایت، بسامد وقوع ترانه‌ها در قالب نمودار نشان داده شده است. در ادامه، استعاره‌های مربوط به غم و شادی که در متن ترانه‌ها یافت شده است، به همراه مثال ارائه خواهد شد:
- ۷) غم آتش است.
- ما هم بسوزیم به پاش (سی‌دی رو بشکن، یاس: ۸۰).
 - تو با نجات می‌چزونی (الو ۲، تلو: ۹۰).
- ۸) غم ضعف است.
- با هر نفس تپید و گرفت از فراق تو، قلب شکسته از دل خسته، سراغ تو (بهانه: امید روشن بین: ۷۰).

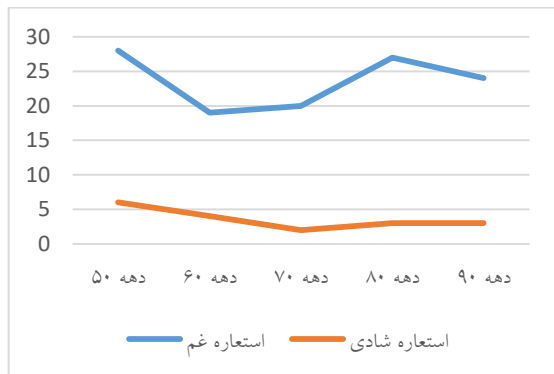
- درد و داغ رقیه تمام شد (آفتاب در حجاب، ۱۳۹۱).
- ۴) شادی جاندار است.
- همه چیز دوباره زنده می‌شد (جای خالی سلوچ، ۱۳۵۸).
 - همه چیز از نو جان می‌گرفت (جای خالی سلوچ، ۱۳۵۸).
- ۵) شادی مکان است.
- در دریای خوشبختی غوطه خوردم (دایی جان ناپلئون، ۱۳۵۰)
- ۶) شادی گیاه است.
- چهره‌اش شکفته شد (دایی جان ناپلئون، ۱۳۵۰).
- در نمودار زیر، روند غم و شادی به صورت مقایسه‌ای نشان داده شده است. در این نمودار، شاهد روند کاهشی هر دو استعاره از دهه ۵۰ به ۶۰ و روند افزایشی غم از ۶۰ تا ۹۰ (تنها اندکی کاهش از ۷۰ تا ۸۰) و شادی از ۶۰ تا ۷۰ و روند کاهشی شادی از ۷۰ تا ۹۰ هستیم:



نمودار ۲- مجموع استعاره غم و شادی در کتاب‌های پنج دهه

- نتایج بررسی کتاب‌ها در این پژوهش که قابل استخراج از نمودار فوق نیز است، در زیر مشاهده می‌شود:
- از دهه انقلاب تا دهه جنگ، به علت انقلاب، شاهد کاهش غم در کتاب‌ها هستیم. پس از آن، از دهه ۶۰ تا ۹۰ و به ویژه در دهه ۹۰ این روند افزایش پیدا کرده است. مشکلات اقتصادی، تجمل‌گرایی، تبعات جنگ و پرداختن

اما تفاوت چشم‌گیری در فراوانی این استعاره‌ها در طول پنج دهه مشاهده می‌شود:



نمودار ۳- مجموع استعاره غم و شادی در ترانه‌های پنج دهه

تجزیه و تحلیل ترانه‌ها و نتایج نمودار بالا در زیر قابل مشاهده است:

- از دهه انقلاب تا دهه سوم، شادی روندی کاهشی را نشان می‌دهد و عدم حضور استعاره‌های شادی در دهه ۵۰ را می‌توان قرین‌بودن آن با جنگ تحمیلی دانست و پس از جنگ و شرایط پس از آن نیز شادی سیری کاهشی در ترانه‌ها داشته است.
- با شروع دهه ۷۰، شادی اندکی اوج را نشان می‌دهد که مقارن است با دهه سازندگی. میزان شادی به‌صورت ثابت تا دهه ۹۰ ادامه پیدا کرده است.
- درمورد استعاره غم نیز می‌توان اظهار داشت که از دهه ۵۰ تا ۶۰ روند کاهشی قابل مشاهده است که علت آن را می‌توان امیدواری موجود از انقلاب عنوان کرد، اما از دهه ۶۰ تا ۸۰ میزان آن افزایش را نشان می‌دهد که می‌توان مشکلات اجتماعی و اقتصادی را در این امر دخیل دانست. در دهه ۹۰ اندکی از غم در ترانه‌ها کاسته شده است که این خود نشان از توجه خوانندگان به افزایش شادی در جامعه است.

• نباشی پیشم از دنیا خستم (دل دیوونه، مجید سلطانی: ۹۰).

۹) غم خرابی است.

• من خراب دل خویشم نه خراب کس دیگر (دشمن، ستار: ۵۰).

• حال دلم خرابه (حال دلم خرابه، احسان ایزدی: ۹۰).

۱۰) غم مزه بد است.

• بر دلم داغ شقایق از عذاب تلخ مردم (به صلیب صدا مصلوبم ای دوست، داریوش: ۵۰).

۱۱) غم رنگ سیاه/تاریکی است.

• یه طرف همه سیاهو (دیوار، فرامرز اصلانی و داریوش: ۵۰).

• خونه رنگ غم میگیره (کولی، شاهرخ: ۶۰).

۱۲) غم خوراکی است.

• وقت غم خوردن نداریم (دیوار، فرامرز اصلانی و داریوش: ۵۰).

• طعم غربت رو لباته (کولی، شاهرخ: ۶۰).

۱۳) شادی مزه خوب است.

• کاری کن امروز شیرین شه لبخندم (حال دلم خرابه، احسان ایزدی: ۹۰).

۱۴) شادی پایکوبی است.

• من به ساز تو می رقصم (تو بزنی تا من برقصم، مهستی: ۵۰).

۱۵) شادی گیاه است.

• سحر دختر نازم تویی غنچه بازم (سحر، مهستی: ۵۰).

• اهل هر جا که باشی قاصد شکفتنی (همسفر، گوگوش: ۵۰).

۱۶) شادی زمان است.

• من از مغرب طلوع کردم (طلوع از مغرب، مارتیک: ۵۰).

در نمودار زیر، قابل مشاهده است که هرچند روند استعاره غم و شادی در پنج دهه تقریباً به یک صورت است،

غم آتش است.

- فرصت‌سوزی در سال رویایی (اطلاعات، ۹۰).
- ترامپ پر جام را آتش زد (اطلاعات، ۹۰).

۲۳) شادی مایع است.

- سیل جمعیت از شهرها و روستاها به سوی تهران سرازیر شده است (اطلاعات، ۵۰).

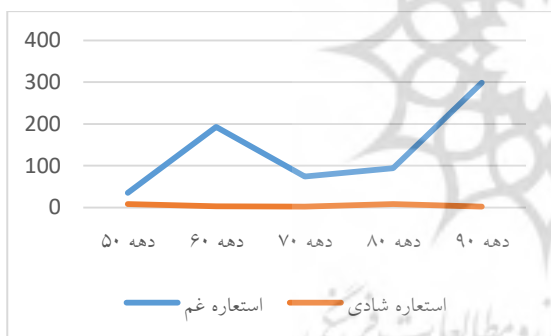
۲۴) شادی دارایی است.

- دکتر حنیفی ابراز امیدواری کرد (اطلاعات، ۸۰).
- ایران به داشتن این مردم می‌بالد (اطلاعات، ۹۰).

۲۵) شادی نور است.

- انقلاب ما انفجار نور بود (اطلاعات، ۵۰).
- تالگو درخشان مدال طلا (اطلاعات، ۹۰).

نمودار مقایسه غم و شادی در زیر، میزان افزایش غم در دهه‌های ۶۰ و ۹۰ و شادی در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۸۰ را نشان می‌دهد:



نمودار ۴- مجموع استعاره غم و شادی در عناوین مطبوعاتی پنج دهه

نتایج حاصل از بررسی عناوین مطبوعاتی در مورد غم و شادی در زیر آورده شده است:

- در دهه انقلاب، به دلیل پیروزی آن، شادی بیشترین مقدار را داراست. پس از آن در دهه جنگ به دلیل جنگ تحمیلی شاهد کاهش شادی و افزایش غم هستیم.
- در دهه ۷۰ با آغاز گفت‌وگوی تمدن‌ها شادی روندی افزایشی پیدا کرده است و در دهه ۸۰ بیشتر شده، اما در دهه ۹۰ دوباره این روند کاهش یافته است.

- «مرگ، شیء و ظرف» بیشترین بسامد حوزه‌های عینی استعاره غم را به خود اختصاص داده‌اند.

- «گیاه، زمان و مزه خوب» بیشترین بسامد حوزه‌های عینی استعاره شادی را دارا هستند.
- بیشترین تنوع استعاره‌ای و حوزه‌های مبدأ به دهه پنجاه مرتبط است. در این دهه شاهد تعداد بیشتری از عناصر متنوع برای بیان غم و شادی هستیم.

بخش دیگری از پیکره را عناوین مطبوعاتی در دهه‌های متعدد تشکیل می‌دهند. این مورد نیز می‌تواند یکی از بارزترین روش‌ها برای بررسی حوادث و اتفاقات در دل یک جامعه و در نهایت روند غم و شادی و یا به طور کلی احساسات مردم باشد. در ادامه، مثال‌هایی از این بخش از پژوهش با نتایجی در قالب نمودار عنوان شده است:

۱۷) غم دام است.

- در این روزگار گیر کرده‌ایم (اطلاعات، ۵۰).
- به دام افتادگان بیچاره (اطلاعات، ۶۰).

۱۸) غم جاندار است.

- باز بغض گلوها را می‌فشارد (اطلاعات، ۶۰).

۱۹) غم مرگ است.

- ما را چرا می‌کشی؟ (اطلاعات، ۵۰).
- ۱۴ کشته در جمله شورشیان یا دل مرد از این ویروس (اطلاعات، ۹۰).

۲۰) غم جراحت است.

- نمک بر زخم معیشت مردم (اطلاعات، ۶۰).
- تنگ‌نظرها مانع هستند، دلم خون است (اطلاعات، ۸۰).

۲۱) غم رنگ / تاریکی است.

- فتنه رنگ عوض کرده. یا این بازی هم سیاه شد (اطلاعات، ۸۰).

- روزهای سیاه کرونایی (اطلاعات، ۹۰).

۲۲) غم سکوت است.

- سکوت سی ساله هنوز هست (اطلاعات، ۵۰).

• غم در دهه ۶۰ به نسبت ۵۰ افزایش یافته که باز هم می‌توان علت آن را جنگ تحمیلی دانست. پس از آن در دهه ۷۰ کاهش یافته و دوباره با آغاز مشکلات اقتصادی، تجمل‌گرایی و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شاهد افزایش این روند هستیم.

• در میان استعاره‌های غم، حوزه عینی «مرگ» دارای بیشترین بسامد است.

• استعاره «شادی نور است» نیز در پیکره روزنامه‌ها دارای بیشترین بسامد است. «نور» جلوه‌ای مثبت در چشم انسان دارد. بنابراین، بیشترین بسامد وقوع حوزه عینی شادی را داراست.

بخش آخر پژوهش حاضر، به اخبار اختصاص دارد. اخبار بخشی از پیکره مورد بررسی یک جامعه است که می‌تواند اطلاعاتی در مورد روند شادی و غم به دست بدهد. در این بخش، نگارندگان اخبار را از شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی در پنج دهه گذشته جمع‌آوری کرده‌اند و در قالب نمودار به نمایش درآورده‌اند. در ابتدا مثال‌هایی از این بخش مطرح می‌شود:

(۲۶) غم مرگ است.

• روح بلند پیشوای مسلمانان و رهبر آزادگان جهان حضرت امام خمینی (ره) به ملکوت اعلا پیوست (دهه ۶۰).

• ۶۱۱ نفر هم متأسفانه جان باختند (دهه ۹۰).

(۲۷) غم جاندار است.

• دل‌های دردمندی که لبریز از عشق به امام خمینی تا ابد خواهد تپید (دهه ۶۰).

• روز آشفته‌ای رو سپری کردن (دهه ۹۰).

(۲۸) غم دام است.

• از دست ایران هیچ کاری در برابر این حملات برنمی‌آید (دهه ۷۰).

• تو وضعیت بدی گیر کردیم (دهه ۸۰).

(۲۹) غم بیماری است.

• ۱۰۰ نفر از این مصیبت رنج می‌برند (دهه ۸۰).

(۳۰) غم مزه بد / تلخی است.

• دوربین‌ها شاهد خوشی‌ها و تلخی‌هاشون هستن (دهه ۸۰).

• به کام مرگ کشاند (دهه ۹۰).

(۳۱) شادی حرکت است.

• ایران در التهاب ورود آیت‌الله خمینی است (دهه ۵۰).

• تیم ملی به این جایگاه پیروزی دست یافت (دهه ۹۰).

(۳۲) شادی مکان است.

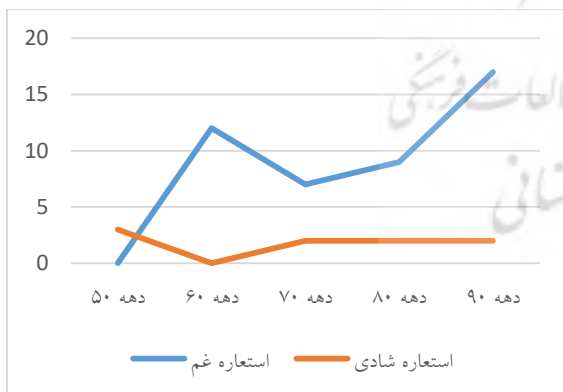
• حالا سرخ‌پوش‌ها در عرش سیر می‌کنند (دهه ۵۰).

(۳۳) شادی شیء است.

• آخرین امیدها از دست ملی‌پوشان رفت (دهه ۸۰).

نمودار خطی زیر، مقایسه روند غم و شادی اخبار در

پنجاه سال است. غم افزایش زیادی را در دهه‌های ۶۰، ۸۰ و ۹۰ تجربه کرده است، درحالی‌که شادی با فراوانی بسیار کم‌تر نسبت به غم، از دهه ۵۰ به ۶۰ کاهش یافته و در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ با اندکی افزایش سیر ثابتی را نشان می‌دهد:



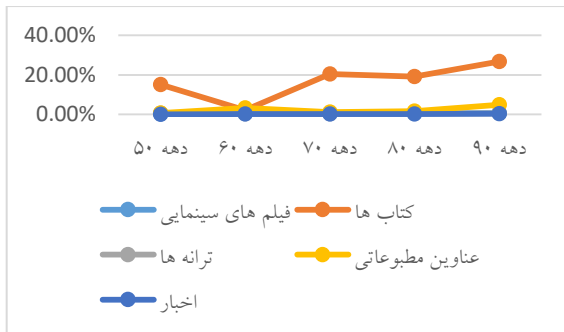
نمودار ۵- مجموع استعاره غم و شادی در اخبار پنج دهه

نتایج مستخرج از اخبار براساس نمودار بالا، در زیر

آمده است:

• غم از دهه ۵۰ تا دهه ۶۰ روندی افزایشی را نشان می‌دهد و به‌گونه‌ای جهش یافته است. این افزایش را می‌توان حاصل از جنگ تحمیلی در دهه ۶۰ و

را تجربه کرده‌اند. در مجموع پنج گروه، از دهه ۷۰ تا ۹۰، غم به‌طور نسبی سیر افزایشی داشته است و در هر پنج گروه، دهه ۹۰ بیشترین آمار را در میزان حوزه‌های مبدأ غم نشان می‌دهد. می‌توان علت را در مشکلات اقتصادی دهه‌های اخیر، تجمل‌گرایی و روابط اجتماعی پیچیده‌تر یافت:



نمودار ۶- نمودار تجمیعی غم از پنج گروه داده در پنج دهه

استعاره‌های شادی نیز در مورد کتاب‌ها دارای تنوع بیشتر و روند جالب‌تری است. این مهم می‌تواند نشان از این باشد که با شروع جنگ تحمیلی در دهه ۶۰، کتاب‌ها بیشتر در حوزه جنگ و شهادت منتشر می‌شده‌اند و کاهش شادی و در نهایت مضمون غمگین را در پی دارد. پس از جنگ در دهه ۷۰، با افزایش شادی در کتاب‌ها روبه‌رو هستیم و سپس در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دوباره سیر نزولی داشته‌است. فیلم‌های سینمایی با افزایش شادی در دهه ۶۰ همراه است. با شروع جنگ، فیلم‌های سینمایی دارای مضمون شادتر برای مردم در نظر گرفته می‌شدند. در دهه ۷۰، با بی‌توجهی به این بخش دوباره کاهش یافته است و در نهایت در سال‌های اخیر این بخش از جامعه مورد توجه قرار گرفته و مضمون فیلم‌ها دوباره به سمت شادی و طنز پیش رفته است. سایر بخش‌های پیکره روندی کاهشی را در دهه ۶۰ به علت جنگ، سپس اندک افزایشی در دهه ۷۰، روندی تقریباً ثابت در دهه ۸۰، به جز عناوین مطبوعاتی که در دهه ۸۰ افزایش را تجربه کرده‌اند و در نهایت روند کاهشی را در دهه ۹۰ نشان می‌دهند. نمودار زیر بازگوکننده این موارد است:

تأثیر آن بر اخبار دانست. مسلماً در دوره جنگ در یک جامعه، بیشتر اخبار آن به این پدیده اختصاص می‌یابد. پس از آن در دهه ۷۰ با شروع گفت‌وگوی تمدن‌ها و پایان جنگ، غم اندکی کاهش پیدا کرده است و در نهایت در دهه‌های اخیر، یعنی ۸۰ و ۹۰ این روند دوباره افزایش یافته که می‌توان آن را حاصل شرایط اقتصادی دانست.

- شادی از دهه ۵۰ به ۶۰ به یک‌باره کاهش را نشان می‌دهد و این مورد نیز می‌تواند حاصل شرایط بحرانی هشت سال دفاع مقدس باشد. پس از آن، در دهه ۷۰ اندکی اوج گرفته است، اما در نهایت با سیری ثابت از دهه ۷۰ تا ۹۰ مواجه هستیم.

- همان‌طور که انتظار می‌رود، در مطالعه اخبار نیز بیشترین فراوانی حوزه مبدأ به «غم مرگ است» اختصاص دارد. این مورد حاصل غم‌انگیزترین اتفاقی است که انسان در طول زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شود.
- در بخش شادی نیز «شادی مکان است» بیشترین درصد را در بین حوزه‌های مبدأ تشکیل داده‌است. این نشان از جایگاه شادی در مقام بالا و مکان رفیع دارد.
- بیشترین تنوع استعاری مربوط به دهه ۹۰ است. این تنوع هم در حوزه شادی و هم در حوزه غم قابل مشاهده است.

بحث و نتیجه‌گیری

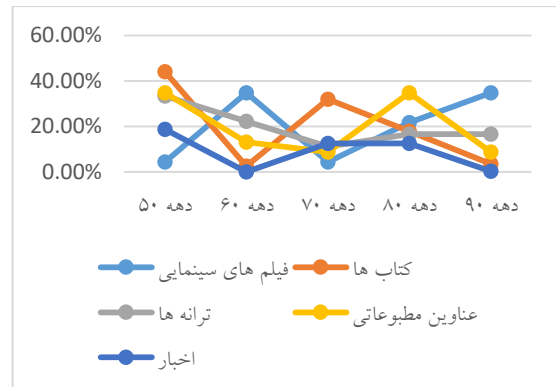
نمودار تجمیعی پنج گروه از داده‌های مورد بررسی شامل فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، عناوین مطبوعاتی و اخبار در زیر، نشان‌دهنده این است که آمار فراوانی استعاره‌های غم در کتاب‌ها از چهار گروه دیگر بیشتر است و برخلاف گروه‌های دیگر و همانند ترانه‌ها، از دهه ۵۰ تا ۶۰، یعنی دهه انقلاب، سیر نزولی را نشان می‌دهد. از دهه ۶۰ تا ۷۰، غم تقریباً سیر ثابتی را طی کرده است، اما در این مدت عناوین مطبوعاتی سیر نزولی و کتاب‌ها سیر صعودی

به طور کلی، غم دارای تغییراتی اندک از دهه ۵۰ تا ۷۰، اندکی کاهش در ۸۰ و در نهایت افزایش چشمگیر در دهه ۹۰ است. شادی نیز دارای منحنی جالبی است. از دهه ۵۰ تا ۶۰ نزول را نشان می‌دهد و یکبار افزایش در دهه ۷۰ و در نهایت در دهه ۸۰ و ۹۰ کاهش را تجربه کرده است. ذکر این نکته لازم است که قطعاً تأثیرات غم و شادی در جامعه، به شکل یکسان در همه حوزه‌ها اثر نمی‌کند، زیرا در برخی حوزه‌ها با اتخاذ خط‌مشی‌هایی خاص برای تغییر روند جامعه تلاش می‌شود. برای نمونه، می‌توان با اهداف خاصی تولید فیلم‌هایی با مضمون طنز را در اولویت گذاشت.

۲. چه عواملی بر این فرآیند (سیر صعودی یا نزولی دو مفهوم غم و شادی) تأثیر دارد و جامعه چه راهی را طی می‌کند؟

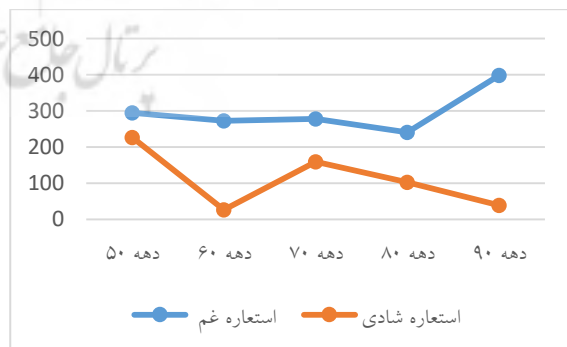
در دهه جنگ علت اصلی کاهش شادی تأثیر این عامل بر جامعه است. دهه هفتاد با پایان جنگ و شروع سازندگی این سیر روندی خوبی را در هر دو متغیر غم و شادی طی کرده است و در نهایت در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در حالی که کشور با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند، روند شادی کاهش و روند غم افزایش را نشان می‌دهد و این خود حاکی از آن است که میزان غم در دهه‌های اخیر در جامعه افزایش پیدا کرده است. علت‌های این تغییرات را می‌توان علاوه بر مشکلات اقتصادی، تجمل‌گرایی و پیچیدگی روابط انسانی دانست.

۳. الگوهای شناختی احساسات غم و شادی چیست؟ تقریباً در کل پیکره، استعاره‌های مرتبط با «مرگ، شیء و ظرف» بیشترین کاربرد را داشته‌اند. انسان برای بیان مفاهیم انتزاعی از مفاهیم عینی بهره می‌جوید و علت کاربرد شیء و ظرف و بالابودن آمار آن‌ها در میان سایر استعاره‌ها همین عینی‌تربودن این حوزه‌هاست، زیرا انسان اولین چیزی که از بدو تولد می‌شناسد بدن خود است و بدن انسان هم «ظرف» است و هم «شیء». «مرگ» غم‌انگیزترین اتفاقی است که برای بشر رخ می‌دهد و انسان برای بیان میزان غم خود این استعاره را بسیار به کار می‌برد. چراکه غم‌انگیزتر از مرگ در زندگی انسان وجود ندارد و غم پایانی برای او محسوب



نمودار ۷- نمودار تجمیعی شادی از پنج گروه داده در پنج دهه

اگر از تمام داده‌های موجود برای رسم یک نمودار به‌منظور مشاهده سیر تحول غم و شادی در جامعه ایران بهره ببریم، نمودار کلی غم و شادی به‌صورت زیر به‌دست می‌آید. این نمودار، روندی یک‌نواخت، اما به‌سمت کاهش بسیار جزئی را از دهه ۵۰ تا ۶۰ در استعاره غم نشان می‌دهد، از دهه ۶۰ تا ۷۰ روند تغییرات غم تقریباً ثابت است، از دهه ۷۰ به ۸۰، این روند کاهش داشته، اما در دهه ۹۰ اوج گرفته است. دهه ۹۰ دارای بیشترین میزان غم در کل پیکره است. شادی نیز کاهش چشم‌گیری را در دهه ۶۰ نشان می‌دهد که علت همان سال‌های جنگ تحمیلی است. پس از آن، در دوره سازندگی افزایش داشته است و در نهایت، در دهه اخیر و دهه ۸۰ کاهش قابل توجهی را در کل پیکره نشان می‌دهد. این نمودار کلی، در زیر آمده است:



نمودار ۸- نمودار تجمیعی غم و شادی در کل پیکره پنج دهه

این پژوهش در پی یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر بود:

۱. میزان افزایش یا کاهش غم و شادی در جامعه فارسی-زبان ایران چگونه است؟

۲. روحی، مه‌ری، روشن، بلقیس و نجفیان، آرزو. (۱۳۹۷). مقایسه‌ی استعاره‌های مفهومی شادی در زبان‌های فارسی، کردی و گیلکی: رویکرد شناختی. روزمره. مجله زبان‌شناسی تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱۶، صص ۱۲۵-۱۴۲.
<https://doi.org/10.22084/RJHLL.2017.14050.1731>
۳. زوروز، مهدیس، افراشی، آریتا و عاصی، مصطفی. (۱۳۹۲). استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار. دوفصلنامه زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دوره ۵، شماره ۹، صص ۳۹۵.
<https://doi.org/10.22067/LJ.V5I9.37337>
۴. شریفی‌مقدم، آزاده و ارجمند، الهه. (۱۳۹۷). ارزیابی میزان تطابق استعاره‌های مفهومی کلامی و غیر کلامی حوزه‌های غم و شادی در اشعار دوره ابتدایی از منظر زبان‌شناسی شناختی، فصلنامه مطالعات زبان‌های و گویش‌های غرب ایران، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۵۹-۷۵.
https://jilw.razi.ac.ir/article_850.html
۵. شریفی‌مقدم، آزاده، آزادی‌خواه، مریم و ابوالحسنی‌زاده، وحیده. (۱۳۹۸). مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی. مجله زبان پژوهی (علوم انسانی)، دوره ۱۱، شماره ۳۰، صص ۱۷۹-۲۰۲.
<https://doi.org/10.22051/JLR.2018.15235.1330>
۶. فضائلی، مریم و ابراهیمی، شیمیا. (۱۳۹۳). بررسی استعاره مفهومی احساس «غم» در شعر مسعود سعد سلمان. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره: ۴، شماره ۱۳، صص ۳۸.
۷. قاسمی، آزاده، ایزانلو، علی و الیاسی، محمود. (۱۳۹۴). بررسی طرحواره حجمی واژه غم در اشعار فریدون مشیری. مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، اردبیل، ایران.
<https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1058207.html>
۸. صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۹. عبدی، ایران. (۱۴۰۰). معرفی و نقد کتاب «سیر تحول خشونت، ادب و غم در جامعه ایران؛ نقض امنیت اجتماعی. مطالعات فرهنگی پالیسی، ۸ (۴)، ۵۳-۵۹.
<https://doi.org/10.22034/jpcs.2022.1265609.1068>

می‌شود. برای شادی نیز نور و زندگی دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. نقطه مخالف مرگ زندگی است، بنابراین انسان برای بیان شادی از این مفهوم بنیادین بهره می‌جوید. نور نیز در فرهنگ و طبیعت دارای جلوه‌ای امیدبخش و شادی‌آور است؛ همانند خورشید و تابندگی و زندگی آن.

۴. افزایش غم چگونه بر امنیت اجتماعی تأثیر گذار است؟

توانمندی گروه‌های مختلف اجتماعی برای شناسایی، حفظ و ارتقای هویت و ارزش‌های بنیادین خود، در چهارچوب قانون «امنیت اجتماعی» نام دارد. به‌طور کلی، امنیت اجتماعی بر مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راه‌کارهایی دلالت می‌کند که هدف از آن‌ها ایجاد اطمینان خاطر در زندگی اجتماعی افراد است. به عبارتی، امنیت اجتماعی خشنودی و رضایت‌مندی فرد در جامعه را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، هرگاه مسئله‌ای منجر به کاهش خشنودی و رضایت‌مندی فردی در جامعه شود، یعنی احساس آسودگی خاطر وی را کاهش دهد، امنیت اجتماعی نقض شده است. با افزایش غم، قطعاً فرد در جامعه احساس رضایت، آرامش و آسودگی خاطر ندارد. بنابراین، هر چه میزان غم بیشتر باشد، امنیت اجتماعی بیشتر کاهش می‌یابد.

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می‌دانیم، به این وسیله مراتب سپاس خود را تقدیم استاد بزرگوارمان، جناب آقای دکتر محمد راسخ-مهند کنیم که ما در انجام این پژوهش بسیار یاری کردند. بدیهی است که اشکالات این پژوهش متوجه نگارندگان است.

منابع

۱. استاجی، ابراهیم و فرحانی‌زاده، مجید. (۱۳۹۷). استعاره مفهومی "غم" در اشعار فخرالدین عراقی، مجله شعرپژوهی، شماره ۳۷، صص ۱-۲۴.
<https://doi.org/10.22099/JBA.2018.27141.2818>

۰۰. محمدیان، عباس و فرحانی زاده، مجید. (۱۳۹۷). استعاره ی مفهومی "شادی" در دیوان شمس، مجله مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۳۱۹-۳۵۰.
<https://doi.org/10.22075/JLRS.2018.14657.1191>
 ۱۱. ملکیان، معصومه و ساسانی، فرهاد. (۱۳۹۲). بیان استعاری غم و شادی در گفتار روزمره. مجله زبان شناسی تطبیقی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۱۱۴-۱۳۹.

https://rjhll.basu.ac.ir/article_474.html
 ۲۲. مولودی، امیرسعید. (۱۳۹۴). مفهوم سازی استعاری احساسات در زبان فارسی با رویکردی شناختی. پایان نامه دکتری زبان شناسی، دانشگاه تهران.

<https://ut.ac.ir/fa/thesis/>
 ۱۳. مشکین فام، مهرداد. (۱۴۰۰). سیر تحول خشونت، ادب و غم در جامعه ایران؛ نقض امنیت اجتماعی. همدان: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان همدان.

<http://hamedan.jrl.police.ir/>
 ۴۴. نغزگوی کهن، مهرداد و داوری، شادی. (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی زبان شناسی تاریخی. تهران: علمی.

<https://lib1.ut.ac.ir:8443/site/catalogue/455908>

15. Heine, B., Claudi, U., & Hunnemeyer, F. (1991). *Grammaticalization: A conceptual Framework*. Chicago: Chicago University Press.

http://www.prof-bernd-heine.de/books/Heine_etal_1991_Grammaticalization.pdf

16. Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A Practical Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
<https://doi.org/10.1075/msw.1.1.10mac>

17. Lakoff, G. & Johnson, M. (1980), *Metaphors We Live By*, Chicago and London: University of Chicago Press.

<https://doi.org/10.2307/414069>

18. Trim, R. (2011). *Metaphor and the historical evolution of conceptual mapping*. New York: Palgrave Macmilan.

<https://doi.org/10.1080/10926488.2014.859493>

